



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از اول کتاب البیع با توفیق پروردگار درباره ابعاد مختلف بیع من جمله درباره ماهیت و حقیقت آن بحث کردیم و گفتیم که بیع از مقوله معناست و در عالم اعتبار احتیاج به انشاء دارد و تا متبایین آن را انشاء نکنند آن معنی تحقق پیدا نمی کند، بعد بحث رسید به اینجا که آیا این انشاء حتما باید به لفظ باشد یا نه؟ عده ای از فقهای ما مثل صاحب جواهر و صاحب مفتاح الکرامه و محقق در شرایع فرمودند که انشاء باید به لفظ باشد و حتی بر این مطلب ادعای اجماع کردند ولی ما عرض کردیم که اینطور نیست و ما در بیع خود انشاء را نیاز داریم چه این انشاء به لفظ و چه به فعل باشد لذا معاطات بیع و صحیح می باشد چون حقیقت بیع این است که یک انشائی صورت بگیرد تا اینکه نقل و انتقال تحقق پیدا کند لذا در بیع و تمامی عقود دیگر انشاء فعلی نیز کارایی دارد، بلکه فقط در میان عقود نکاح باید با لفظ محقق شود که این هم تقریباً یک نوع تعبُّد و اختصاص و امتیاز خاص برای نکاح است یعنی؛ میثاقاً غلیظاً که قرآن از آن تعبیر کرده باید با لفظ صورت بگیرد (أدله صحت معاطات به تفصیل بیان شد؛ سیره عرف و عقلاء، آیه الحل و آیه الوفاء...)، این بحث ها مربوط به قبل از دهه محرم بود که به عرضتان رسید .

خوب بحث دیگری که در اینجا وجود دارد این است که آیا بیعی که معاطاتاً صورت می گیرد لازم است یا اینکه جائز می باشد؟ . برای اینکه این مطلب روشن شود مقدماً باید به چند مطلب توجه داشته باشیم؛ مطلب اول این است که در فقه ما عقود به اقسامی تقسیم شده است، تقسیم اول: عقود اذنیه و عقود عهدیه، اذنیه به آن دسته از عقودی گفته می شود که قوامش به اذن است مثل وکالت، ودیعه و عاریه که در اینها نقل و انتقالی در کار نیست بلکه تنها از طرف مالک اذن در تصرف خاصی وجود دارد و اما عهدیه عقودی هستند که طرفین در آن ها تعهدی دارند و در حقیقت نقل و انتقالی و تملیک و تملیکی و معاوضه و جابجایی در

مال صورت می گیرد مثل بیع و صلح و اجاره، و حتی نکاح هم از عقود عهدیه است منتهی نه برای جابجایی مال بلکه برای ایجاد علقه زوجیت می باشد .

عقود عهدیه خودش به دو قسم تقسیم می شود؛ عهدیه تنجیزیه و عهدیه تعلیقیه، تنجیزیه مثل نکاح و بیع و امثالهم که به محض انشاء محقق می شوند و دیگر حالت تعلیق و انتظار ندارند اما تعلیقیه مثل سبق و رمایه و جعاله که در آن عقد معلّق است (من ردّ عبدی فله کذا)، خوب این یکی از تقسیمات مربوط به عقود بود که خدمتان عرض شد .

مطلب دوم این است که ما دو جور عقد داریم؛ جائزه و لازمه، عقود جائزه آن عقودی هستند که طرفین می توانند آن را به هم بزنند ولی عقود لازمه عقودی هستند که طرفین نمی توانند آن را به هم بزنند الاّ ما خرج بالدلیل .

عقود از نظر جواز و لزوم به چند قسم تقسیم می شوند؛ اول عقود لازم من الطرفين ذاتاً مثل نکاح و بیع و صلح و اجاره (البته اگر شرط ضمن عقد شود و یا در بیع خیاری لحاظ شود و یا در نکاح عیوبی در مرثه باشد اینها امور عارضی هستند که موجب به هم خوردن عقود لازم من الطرفين می شوند که بحث آخر می باشد)، دوم عقود جائزه من الطرفين ذاتاً مثل هبه که ذاتاً از عقود جائزه می باشد منتهی قد یصیر لازماً مثل هبه به ذی رحم و یا هبه معوضه که دیگر نمی تواند آنها را پس بگیرد .

عقود لازمه گاهی لازم من أحد الطرفين نیز می باشد مثل رهن که در آن از طرف راهن که چیزی را در برابر دین گرو می گذارد عقد لازم است و نمی تواند آن را به هم بزند ولی از طرف مرتهن جایز می باشد، خلاصه این تقسیمات عقود از نظر جائزه و لازمه بودن نیز بحث مهمی است که باید به آن توجه داشته باشیم .

مطلب سوم این است که اصل در عقود لزوم می باشد یعنی بعد از ثبوت مشروعیت عقدی اگر ما در لزوم آن شک کنیم (چه شک ما در شبهات حکمیه و چه در شبهات موضوعیه باشد) اصل لزوم آن می باشد و فرق بین شبهات موضوعیه و حکمیه این است که در هر کجا که منشأ شک اجمال النص أو فقدان النص أو تعارض النصین باشد شبهه حکمیه می باشد و شبهات موضوعیه آن است

شیخ انصاری (ره) در اول بحث خیارات فرموده این که ما می گوئیم اصل در بیع لزوم است مثل کلام علمای علم طبیعی می باشد که می گویند اصل در جسم استنداره می باشد یعنی اصل این است که هر جسمی کروی شکل باشد و اگر جسمی مستدیر نباشد یقیناً یک مانع خارجی در آن تأثیر کرده که از آن شکل خارج شده ، بنابراین چنانچه در علم طبیعی اصل به آن معنی می باشد در علم فقه ما نیز اصل بر این است که عقود لازم می باشند .

خوب حالا ما با توفیق پروردگار تبعاً للشیخ اعظم انصاری بحث می کنیم که معاطات لازم است ، در اینجا چند دلیل برای لزوم معاطات ذکر کرده اند ؛ اول استصحاب و بعد چند آیه من جمله آیه الوفاء و آیه التجارة و بعد احادیثی مثل حدیث شرط و سلطنت و حلیت ذکر کرده اند .

قاعده این بود که وقتی که ما دلیل اجتهادی مثل قرآن و سنت داریم نباید سراغ أدله فقاهتی مثل استصحاب برویم زیرا دلیل اجتهادی براستصحاب یا ورود دارد و یا حکومت دارد اما شیخ و دیگر فقها در مانحن فیه (اثبات لزوم معاطات) ابتدا استصحاب را ذکر کرده اند که علتش این است که خواسته اند جمیع أدله را ذکر کرده باشند یعنی هم از جهت أدله اجتهادی و هم از جهت أدله فقاهتی و ما نیز از فردا با توفیق پروردگار در این أدله بحث خواهیم کرد ...

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

که از جهت کبری همه چیز مشخص است منتهی منشأ شک اشتباه در مصادیق خارجی می باشد ، بنابراین اصل در عقود لزوم می باشد .

شیخ انصاری (ره) در چند جا این بحث (اصل در عقود لزوم است) را مطرح کرده ؛ یکی در همین بحثی که می خواهیم وارد آن بشویم ایشان فرموده اند معاطات لازم است زیرا اصل در عقود لزوم آنها می باشد و همچنین ایشان در اول بحث خیارات به طور مبسوط این بحث را مطرح کرده و فرموده اصل در عقود لزوم می باشد و در آنجا ۴ معنی برای اصل ذکر کرده و یکی را انتخاب نموده و فرموده هذا حسن ، و آن این است که از قواعد و أدله استفاده می شود که اصل در عقود لزوم می باشد و منظور از عقود لفظ نمی باشد بلکه مراد آن تعهد است اعم از اینکه إنشاء به لفظ باشد یا إنشاء به فعل باشد .

شیخ اعظم انصاری (ره) هم در اینجا و هم در اول خیارات ۸ دلیل برای اینکه اصل در عقود لزوم است ذکر کرده است که ما بعداً آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد ، بنابراین یکی از بحث های مهم فقهی همین بحث (اصل در عقود لزوم است) می باشد .

خوب و اما شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد جلد ۲ ص ۲۴۲ این بحث را مطرح کرده و فرموده : « الأصل فی البیع اللزوم و کذا فی سائر العقود و یخرج عن الأصل فی مواضع لعل خارجة » ، و شهید ثانی نیز در مسالک جلد ۱ ص ۳۲۰ فرموده اصل در تمامی عقود لزوم است لعموم الأمر بوفاء بالعقود آی : « أوفوا بالعقود » ، شیخ طوسی نیز در خلاف جلد ۲ ص ۲۰۶ کتاب الإجارة مسئله ۲ فرموده که اصل در عقود لزوم می باشد و صاحب مفتاح الکرامه نیز در جلد ۷ ص ۳۰۰ فرموده که اصل در عقود لزوم می باشد ، خلاصه این یک قاعده کلیه ای است که اصل در تمام عقود لزوم می باشد چه در شبهات حکمی و چه در شبهات موضوعیه بنابراین در مانحن فیه نیز اصل در معاطات لزوم می باشد زیرا ما ثابت کردیم که معاطات بیع است و وقتی بیع باشد اصل در بیع لزوم است پس معاطات نیز لازم است البته أدله لزوم آن را بعداً خدمتتان عرض خواهیم کرد .